درس هفدهم – ضمایر مفعولی و ضمایر متممی

written by مرتضی غلام نژاد | دسامبر 11, 2016

ضمایر مفعولی و ضمایر متممی آن دسته از ضمایر ما هستند که جانشین اسم شده و مفهوم تازه ای در حالت های اسمی مختلف به خود می گیرد.

فرض کنید که می گویم ، بهنام دیروز به مدرسه رفت ، آیا او درس خواند ؟ در اینجا او جایگزین اسم ما شده یعنی بهنام که می شود ضمیر فاعلی و ما آنرا در درس های خیلی قبل تر خواندیم ، ضمایر فاعلی عبارتند از : من ، تو ، او ، ما ، شماها ، آنها .

حالا فرض کنید بگویم : من بهنام را دیروز دیدم. آیا شما هم او را دیروز دیدید ؟ در اینجا او را جایگزین بهنام که اسم ما بود شد. پس ما از ضمیر مفعولی استفاده کردیم. و ضمایر مفعولی عبارتند از : من را ، تو را ، او را ، مارا ،شماها را ،آنها را

یا مثلا بگویم : من به بهنام یک کتاب را دادم ، آیا شما هم به اون کتابی را داده اید ؟ در اینجا به اون جایگزین بهنام شده است پس ما از ضمیر متممی استفاده کردیم. ضمایر متممی عبارتند از ،به من ، به تو ، به او ،به ما ، به آنها ، البته ناگفته نماند که گفتیم در حالت Dativ می تواند ضمایر متممی ما ، به ، از ،برای ، و ... نیز معنی بدهد.

حالا که با مفهوم ضمایر فاعلی و مفعولی و متممی در فارسی آشنا شدیم ، می توانیم نگاهی به آنها در زبان آلمانی داشته باشیم.

معنی	Dativ	معنی	Akkusativ	معنی	Nominativ
به من ، برای من ، از من	mir	مرا	mich	من	Ich
به تو ، برای تو ، از تو	dir	تو را	dich	تو	Du
به او ، برای او ، از او	ihm	او را	ihn	او مذکر	Er
به او ، برای او ، از او	ihr	او را	sie	او مونث	Sie
به آن ،برای آن ، از آن	ihm	آن را	es	او خنثی	Es
به ما ، برای ما ،از ما	uns	ما را	uns	ما	Wir
به شماها ،برای شماها ، از شماها	euch	شما ها را	euch	شماها	Ihr
به آنها ، برای آنها ، از آنها	ihnen	آنها را	sie	آنها	Sie

چند مثال برای ضمایر مفعولی و متممی

Das ist Behnam, Er kommt aus dem Iran. Ich kenne ihn seit zwei Wochen. Ich möchte ihm ein Buch geben

آن بهنام است. او اهل ایران است. من به مدت ۲ هفته است او را می شناسم. من می خواهم به او یک کتابی را بدهم.

همانطور که توجه کردید ما از تمام ضمایر فاعلی و مفعولی و متممی استفاده کردیم و هر کدام از آنها یکی پس از دیگری جایگزین هم شدند حالا می خواهم مثال دیگری بزنم که در آن از ضمیر ملکی نیز استفاده شده باشد.

.Das ist Maria, sie kommt aus Deutschland. Sie hat einen Bruder

Ich kenne ihren Bruder seit einer Woche. Ich möchte ihr mein Auto verkaufen

آن ماریا است. او اهل آلمان است. او یک برادر دارد. من برادر او را به مدت یک هفته است می شناسم. من می خواهم به او (مونث) ماشینم را بفروشم.